



ضرورت دادن مسئولیت به کودک / مسئولیت پذیری آموختنی است

باید از کودکی حس مسئولیت را در فرزندان خود نهادینه کنیم، چرا که اگر این امر در زمان مناسب خود شکل نگیرد ...

باید از کودکی حس مسئولیت را در فرزندان خود نهادینه کنیم، چرا که اگر این امر در زمان مناسب خود شکل نگیرد در بزرگسالی جا انداختن آن دشوار و حتی در مواردی غیر ممکن می شود. به گزارش خبرگزاری مهر، تربیت دوران کودکی به مانند بذری است که در زمینی مناسب کاشته شده و جوانه زده است. ریشه اش محکم و بنیانش استوار است. هر پایه ای که در کودکی برای طفل گذارده شود احتمال قوی دارد که برای همیشه پایدار بماند، مگر اینکه طوفان حوادثی بزرگ آن را متزلزل کند.

از مسائلی که پایه گذاری آن در دوران کودکی باید انجام شود مساله کار و پرورش مسئولیت در کودک است. کار و مسئولیت شالوده ای برای زندگی بشر و امري شرافتمندانه است. اساس فکر در پرورش آن این است که کودک فردی است وابسته به خانواده و در عین حال دارای شخصیتی جداگانه، فلذا برای زندگی بعدی ناگزیر است مسئولیت پیروزی و شکست را شخصا بر عهده گیرد. او باید آنچنان به کار عادت کند و آنچنان در پذیرش مسئولیت ثابت قدم گردد که از حدود 13-14 سالگی این امر به صورت طبیعی ثانوی در او درآید. مادر به عنوان نخستین مسئول این امر موظف است که چنین روحیه ای را در کودکان بوجود آورد و با بکار گرفتن فرزند و دادن مسئولیت مناسب به او و شرکت دادن در فعالیت های خانوادگی به حل مشکل بعدی طفل کمک کند و او را از حالت ناز پروردگی بیرون آورد.

مسئولیت را باید آموخت

طفلی که پا به عرصه این جهان می گذارد دارای حس پذیرش مسئولیت لااقل به مفهوم مادی کلمه نیست، او باید این جنبه را بیاموزد بعد ها به همراه رشد از راه همانندی و امر و دستور والدین و مشاهده مسئولیت دیگران چنین احساس به او دست دهد. کودک به تدریج مسئولیت را می آموزد و می پذیرد و مربی در این امر نیازمند به صبر و حوصله بسیار است.

کودک بیشتر تجارب خود را در زمینه پذیرش مسئولیت از خانواده می آموزد و چون با مادر بیشتر در تماس است از طریق او این جنبه در او ریشه دار می گردد. او از یکسو باید از طریق الگو بودن و از سوی دیگر از طریق امر و فرمان کودک را برای پذیرش مسئولیت آماده کند. این غلط است که برخی از مادران از دادن مسئولیت به کودک خودداری کنند و نام آن را مهرورزی و علاقه به کودک بگذارند. کودک خواه و ناخواه بزرگ می شود و باید برای ورود در دنیای بعدی آماده گردد و اگر حس مسئولیت از کودکی در دلش جای نگیرد در بزرگسالی این امر همراه با دشواری هایی خواهد بود. مادر در انجام این وظیفه خود باید فردی شاخص و نمونه باشد اگر کاری را به فرزندش وا می گذارد به خاطر تنبلی و تن پروری نباشد و یا از آن احساس خستگی ننماید.

مسئولیت از چه سنی باید آغاز شود

آموزش مسئولیت از همان سالهای اول زندگی شروع می شود. زمانی که زندگی برای طفل تا حدودی با معنی می شود و ارزش حیات را کم و بیش درک می کند. موقعی باید به او آموزش داد که در می یابد زندگی بهتر از مردن است و می خواهد بیشتر زنده بماند و بهتر زندگی کند. در چنین موقعیتی مادر از طریق دادن حق انتخاب و اظهار نظر به کودک این فکر را در او بوجود می آورد سعی می کند او را به پذیرش آن علاقمند نماید.

به همراه رشد و در حدود توانایی و استطاعت کودک مادر سعی دارد به او مسئولیت هایی چون آب دادن به گلهها، مرتب کردن کتاب یا اسباب بازیها، غذا دادن به حیوان، نگه داری از برادر یا خواهر کوچک بدهد و تحویل و یا سنگین کردن آن بپرهیزد تا مبدا موجبات بی قیدی و بی تفاوتی در او بوجود آید. نوع مسئولیت هایی که به طفل واگذار می شود در سنین مختلف متفاوت است. واگذاری مسئولیت با توجه به دختر و پسر بودن متفاوت می باشد و بر اساس آن دنیای متفاوت زن و مرد وظایف مختلفی را عهده دار می گردند.

از همان روزهایی که کودک چیز می فهمد و به راه می افتد باید به او کاری واگذار شود. مثلا به طفل دستور داده شود بر سر سفره لیوان بگذارد، قاشق بیاورد و... بعدها درسین بالاتر می توان از وی خواست رختخوابش را جمع کند، جوراب و دستمال خود را بشوید، چیز های صاف و ساده را اتو کند.

علاقه به پذیرش مسئولیت از سنین دبستان زیاد می شود و رفتار و تلاش کودک متوجه آن و جهت دادن آن است. آنچنان که همه

وظایف و امور را تحت الشعاع قرار دهد. آنچه که این زمینه را در کودک راسخ تر می‌سازد و طفل را در پذیرش آن با جرات تر می‌سازد دادن مسئولیت‌های کوچکتر به کودک و عدم استفاده در صورت شکست است. مساله دیگر واگذاری کار کودک به خود اوست. اگر کودک قادر به جمع‌آوری رختخوابش باشد ولی مادر آن را انجام دهد کار غلطی است زیرا روح استراحت طلب کودک او را وامی‌دارد تا در آینده تن به کار ندهد.

در واگذاری مسئولیت به کودک حدود و استطاعت او را باید در نظر گرفت. مسئولیت سنگین‌ترین اولاد کودک را خسته و نسبت به آن بی‌علاقه می‌کند و ترس و اجبار در پذیرش مسئولیت نوعی تحمیل است و اگر کودک در سایه آن امری را بپذیرد روح اطاعت غلط در او ریشه دار می‌شود و استقلال طلبی در او محو می‌گردد.